

تبیین جایگاه اصول راهنما در فهم معمار بومی از مسئله طراحی معماری (مطالعه موردی: روستای سراج محله)

مریم نوری*، شادی عزیزی**، محمدرضا نصیر سلامی***

1397/01/03

تاریخ دریافت مقاله:

1397/05/29

تاریخ پذیرش مقاله:

چکیده

یکی از شاخه‌های دانش در حوزه معماری، طراحی پژوهی است که به مطالعه فرایند طراحی می‌پردازد. پژوهشگران این حوزه مفاهیم مختلفی برای توضیح فرایندهای ذهنی طراح به کار گرفته‌اند که یکی از آن‌ها اصول راهنما است. اصول راهنما اصولی است که طراح به آن‌ها باور دارد و از آن‌ها در قاب‌بندی و فهم اولویت‌های مسئله طراحی بهره می‌گیرد. این اصول که متکی به جهان‌بینی طراحی شکل می‌گیرند موجب نوعی وحدت رویه در قبال برخورد با مسئله‌های گوناگون طراحی می‌شوند. بخش عمده‌ای از پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه فرایند طراحی و نقش اصول راهنما در آن، معطوف به معماران و دانشجویانی بوده که در محیط‌های شهری آموزش‌دیده و با مسئله‌های طراحی در شهر نیز مواجه بوده‌اند. این در حالی است که معماری بومی در محیط‌های روستایی مختصاتی کاملاً متفاوت دارد و شیوه‌های تولید معماری در آن واجد درون‌مایه‌های ارزشمندی است که می‌تواند مورد استخراج و مطالعه قرار بگیرد. از این رو پرسش اصلی این پژوهش این است که اصول راهنما در فرایند طراحی یک معمار بومی چه نقشی ایفا می‌کند و چه محتوایی دارند؟ برای پاسخ به این پرسش، روستای سراج محله به‌عنوان نمونه‌ای که در کنار بافت کالبدی، همچنان دارای بافت اجتماعی بومی نیز هست انتخاب شد و سپس پنج نفر از معماران بومی منطقه شناسایی شدند. در ادامه به این معماران، سه مسئله طراحی با موضوع «خانه» ارائه شد و از آن‌ها خواسته شد درباره طراحی موردنظر خود سخن بگویند. این سخنان در قالب مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته ثبت و پیاده شد و سپس مورد تحلیل محتوای کیفی قرار گرفت. ساختار کلی این پژوهش، مبتنی بر روش کیفی است. روش تحقیق کیفی عموماً به تحقیقاتی اطلاق می‌شود که یافته‌های آن از طریق فرایندهای آماری و با مقاصد کمی سازی به دست نیامده باشد. براساس نتیجه این پژوهش، مفاهیم استخراج شده از این مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که هماهنگی با طبیعت، پرهیز از اسراف، رضایت بلندمدت کارفرما و کاربران و همچنین رعایت حقوق همسایگی از مهم‌ترین اصولی است که همواره در مواجهه با مسئله طراحی مدنظر معماران بومی قرار می‌گیرد.

کلمات کلیدی: فهم مسئله، طراحی معماری، اصول راهنما، معمار بومی، روستا، سراج محله.

* دانشجوی دوره دکترای معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

** دکترای معماری، استادیار و عضو هیئت علمی دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

s.Azizi@iauctb.ac.ir

*** دکترای معماری، استادیار و عضو هیئت علمی دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

این مقاله برگرفته از رساله دکترای معماری مریم نوری با عنوان «استعاره به مثابه روش آموزش طراحی معماری در راستای ارتقای فهم مؤثر مسئله» است که در گروه معماری دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، به راهنمایی سرکار خانم دکتر شادی عزیزی و مشاوره جناب آقای دکتر محمدرضا نصیر سلامی در حال انجام است.

مقدمه

مسائل را می‌توان به دو دسته مسائل «با انتهای بسته»¹ یا معین² و «با انتهای باز»³ یا نامعین⁴ تقسیم‌بندی کرد. مسائل معین مسائلی هستند که یک پاسخ روشن دارند و راه مشخصی را برای حل کردن آن‌ها می‌توان سراغ گرفت. این امر پیش از هر چیز ریشه در شفافیت و مرزهای روشن این مسائل دارد. این قبیل مسائل را می‌توان به‌وفور در ریاضیات ملاحظه کرد. اما سنخ دوم، مسائلی است که مرزهای روشنی ندارند و صورت آن‌ها مبهم و لغزان است. به همین دلیل برای چنین مسائلی نمی‌توان یک پاسخ روشن و قطعی را در نظر گرفت. اگر طراحی معماری را نوعی حل مسئله تلقی نماییم، مسائلی که معماران با آن سروکار دارند نیز از جنس همین مسائل نامعین است که به دلیل دشواری برخورد با آن‌ها معادلی همچون مسائل شرور⁵ نیز برایشان در نظر گرفته شده است. اصلی‌ترین کار در برخورد با مسائل نامعین و شرور پیش از تلاش برای حل آن‌ها، فهم عمیق و به‌عبارتی باز تعریف آن‌ها است (Cross, 2006) (Herbert, 1973:181-201). در حقیقت اصلی‌ترین مسئله طراح در مواجهه با مسئله طراحی، خود چستی مسئله⁶ است. طراح ابتدا باید مسئله را تعریف یا به‌عبارت دیگر بازتعریف کند و سپس آن‌را حل نماید⁷. وقتی طراح با مسئله طراحی برخورد می‌کند برای خلق مجدد، مسئله را برای خود تفسیر می‌کند و سعی می‌کند تا ابعاد مهم آن‌را معین کند و به آن سروشکلی بدهد که جست‌وجوی پاسخ را به مسیری روشن‌تر هدایت نماید. این مسیر، مسیری خطی و تنها یک‌سویه نیست. بلکه بسیاری از اوقات طراح براساس تفسیر خاصی از مسئله جلو می‌رود و در خلال مسیر به این نتیجه می‌رسد که باید درباره فهم خودش از مسئله بازبینی انجام داده و سروشکل دیگری برای

مسئله قائل شود (Lawson, 2004). دونالد شون⁸ برای توضیح فرایند ذهنی طراح در بازتعریف و فهم چستی مسئله اصطلاح «قاب‌بندی»⁹ را به‌کار برده است. منظور شون از قاب‌بندی، شیوه فهم مسئله طراحی است. شایان ذکر است پروسه طراحی یک نظام دائماً تکرار شونده است. طراح در دل فرایند حل مسئله است که می‌تواند مسئله را بهتر بشناسد و تعریف درستی از آن ارائه دهد¹⁰ (Schon:1985). هر طراح به‌نوعی واجد یک جهان‌بینی خاص است و مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها و نگرش‌ها را با خود حمل می‌کند که به آن «اصول راهنما» می‌گوییم. اصول راهنما در واقع به فهم مؤثر طراح از مسئله کمک می‌کند و تأثیر این اصول بر فرایند طراحی و فهم مؤثر مسئله بسیار قابل توجه است (لاوسون، 191-189:1387). اصول راهنما اشاره به اصولی است که طراح به آن‌ها باور دارد و از آن‌ها در قاب‌بندی و فهم اولویت‌های مسئله طراحی بهره می‌گیرد. این اصول که متکی به جهان‌بینی طراحی شکل می‌گیرند، موجب نوعی وحدت رویه در قبال برخورد با مسئله‌های گوناگون طراحی می‌شوند.

بیان مسئله

باوجود محبوبیت یافتن مطالعات حوزه طراحی پژوهی در ایران در سال‌های اخیر، مطالعات کمتری درباره شیوه مواجهه طراحان بومی با مسئله طراحی انجام شده است. اگرچه بخش زیادی از این فرایندها ممکن است لزوماً تفاوتی ماهوی با نمونه‌های غیربومی نداشته باشند اما اگر بپذیریم اهالی ساکن در روستاها و به‌خصوص روستاهای کمتر دست‌خورده از جهان‌بینی و فهم متفاوتی نسبت به اهالی مناطق شهری برخوردارند، بدون شک یکی از مؤلفه‌های مهم فرایند طراحی که واجد محتویات بکر و متفاوتی می‌تواند باشد، "اصول راهنمای طراح" است. زندگی روستایی و نوع نگرش

روستاییان به جهان و طبیعت، امکانات و دانش آنان برای ساخت و تولید و نیز شیوه‌های بهره‌وری باعث می‌شود تا اجزای محیط به مطلوب‌ترین شکل صورت بگیرد و در عین حال رعایت سادگی و برقراری رابطه منطقی و مکمل بین آن‌ها با حداکثر کارایی باشد. سازمان فضایی کالبدی روستا که انعکاس ارزش‌های اجتماعی اقتصادی و کالبدی آن به‌شمار می‌رود، متأثر از این نحوه کارکرد شکل می‌گیرد (سرتیپی‌پور، 1384: 44). مسکن بومی روستایی تصویری از بستر و زندگی روزمره روستایی است که در خدمت شیوه‌ای خاص از فعالیت‌های انسانی قرار دارد و ارتباط عمیقی با محیط داشته و به آن وابسته است (سرتیپی‌پور، 1390: 8). بخش عمده‌ای از پژوهش‌های انجام شده در حوزه فرایند طراحی و نقش اصول راهنما در آن، معطوف به معماران و دانشجویانی بوده است که در محیط‌های شهری آموزش دیده‌اند و با مسئله‌های طراحی در شهر نیز مواجه بوده‌اند. این در حالی است که معماری بومی در محیط‌های روستایی دارای مختصاتی به‌کل متفاوت است و شیوه‌های تولید معماری در آن واجد درون مایه‌های ارزشمندی است که می‌تواند مورد استخراج و مطالعه قرار بگیرد. از این‌رو پرسش اصلی این پژوهش این است که اصول راهنما در فرایند طراحی یک معمار بومی مورد چه نقشی ایفا می‌کنند و چه محتوایی دارند؟

هدف پژوهش حاضر این است که "جایگاه اصول راهنما در فهم معمار بومی از مسئله طراحی" را مورد بررسی قرار داده و محتویات آن‌را استخراج نماید. از آنجا که مسکن فضای بلافصل زندگی، معیشت و فهم مردم روستا از جهان اطرافشان است، با ارائه مسئله‌های طراحی پیرامون موضوع مسکن، از معماران بومی خواسته شد درباره چندوچون طراحی این پروژه‌ها سخن

بگویند. لذا در پژوهش آتی می‌توان تعمیم‌پذیری آن‌را در روستاها و مصادیق دیگری نیز مورد بررسی قرارداد.

سؤال‌های پژوهش

اصول راهنما در فرایند طراحی معمار بومی چه نقشی دارند و این اصول، چگونه به فهم معمار بومی از مسئله طراحی کمک می‌کنند؟

محتوای اصول راهنمای معمار بومی چیست و چه نسبتی به جهان‌بینی او دارد؟

روش‌شناسی پژوهش

ساختار کلی این پژوهش، مبتنی بر روش کیفی است. روش تحقیق کیفی عموماً به تحقیقاتی اطلاق می‌شود که یافته‌های آن از طریق فرایندهای آماری و با مقاصد کمی سازی به دست نیامده باشد. داده‌های این نوع تحقیق از طریق مشاهده، مصاحبه یا تعامل‌های شفاهی گردآوری شده و متمرکز بر معانی و تفسیرهای مشارکت‌کنندگان در آن است (محمدپور، 1389: 89). روش تحقیق این پژوهش از نوع کیفی است. پژوهش کیفی عبارت است از مجموعه فعالیت‌هایی همچون مشاهده، مصاحبه و شرکت گسترده در فعالیت‌های پژوهشی که هر کدام به نحوی محقق را در کسب اطلاعات دست اول درباره موضوع مورد تحقیق یاری می‌دهند. بدین ترتیب از اطلاعات جمع‌آوری شده، توصیف‌های تحلیلی، ادراکی و طبقه‌بندی شده حاصل می‌شود. در روش مورد بحث، دسترسی به اطلاعات یعنی زندگی کردن با مردم مورد پژوهش و یادگیری فرهنگ آن‌ها مانند مبانی ارزشی، عقیدتی و رفتاری، زبان و تلاش برای درک احساسی، انگیزش‌ها و هیجان‌های آن‌ها. محقق کیفی، رفتار اجتماعی را به این دلیل ادراک می‌کند که خود را به‌جای دیگران قرار می‌دهد (دلاور، 1374: 255). ویژگی اصلی این تحقیق، انتخاب رویکرد استنتاجی

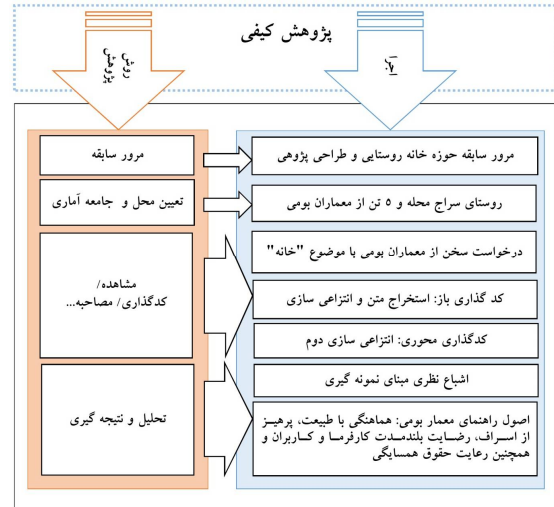
است (گروت، وانگ، 1388: 175). دلیل انتخاب این روش، محتوای مورد انتظار برای گردآوری و تحلیل بود. چرا که اصول راهنما از جنس گزاره‌هایی ذهنی و تلویحی است و دسترسی به آن‌ها از طریق روش‌های کمی ممکن نبوده و نیازمند مصاحبه‌های عمیق و نیمه ساختار یافته است (نمودار شماره 1). برای یافتن پاسخ سؤال‌های پژوهش، ابتدا روستای سراج محله به‌عنوان نمونه‌ای که در کنار بافت کالبدی، همچنان دارای بافت اجتماعی بومی نیز هست انتخاب شد. در کل روستا هفت نفر معمار بومی وجود داشت و مابقی جوانانی بودند که تحصیلات دانشگاهی داشتند. از این هفت نفر، دو نفر حاضر به مصاحبه نشدند و کار با پنج نفر از معماران بومی منطقه انجام پذیرفت. به هر یک از این پنج نفر سه مسئله طراحی با موضوع «خانه» ارائه شد و از آن‌ها خواسته شد درباره طراحی موردنظر خود سخن بگویند. در ادامه بعد از مصاحبه با معماران بومی، گفته‌ها به‌صورت متن استخراج و پیاده شد و سپس مورد تحلیل محتوای کیفی قرار گرفت. داده‌های به‌دست آمده متنی در مرحله بعد، انتزاعی‌سازی شده و در قالب مفاهیم درآمد که «کدگذاری باز»¹¹ نام دارد و سپس در گام بعدی، با تجمیع مفاهیم مشابه در قالب مقوله‌های کلی‌تر که «کدگذاری محوری»¹² نامیده می‌شود، انتزاعی‌سازی دوم صورت گرفته است. در نهایت چهار مقوله به‌عنوان محتوای کلی سخن، استخراج شد. لازم به ذکر است که طبق اصول روش‌شناسی کیفی، کدگذاری و جمع‌آوری داده‌ها بر هم همپوشانی داشته است. واحد تحلیل محتوا در تحقیقات کیفی متفاوت است که در این پژوهش واحد تحلیل مضمون بوده است یعنی هر بخشی از مصاحبه که مضمونی از جنس اصول راهنما داشته و چارچوب فهم معمار از ارزش‌ها و اولویت‌های مسئله را مورد اشاره قرار می‌داد به‌عنوان

یک واحد تحلیل بررسی شده است. بعد از انجام سه مصاحبه مشخص شد که مفاهیم اصلی در حال تکرار شدن است و این روند ادامه داشت به‌طوری‌که با ادامه مسیر و گفتگو با نفر پنجم، عملاً هیچ مضمون تازه‌ای که قابلیت کدگذاری جدیدی داشته باشد مشاهده نشد و به «اشباع نظری» رسیدیم. در این روش نمونه‌گیری که خاص تحقیقات کیفی است، تعداد افراد مورد مصاحبه یا حجم نمونه به اشباع نظری سوالات مورد بررسی بستگی دارد. به این ترتیب که هرگاه محقق به این نتیجه برسد که پاسخ‌های داده شده و یا مصاحبه‌های انجام شده با افراد مطلع، به اندازه‌ای به همدیگر شباهت دارند که منجر به تکراری شدن پاسخ‌ها و یا مصاحبه‌ها شده و داده‌های جدیدی در آن‌ها وجود ندارد، تعداد مصاحبه‌ها را کافی دانسته و دست از مصاحبه می‌کشد (Strauss, Corbin, 1990). اگرچه تفاوت‌هایی میان مفاهیم کدگذاری باز بین معماران قابل مشاهده بود اما پس از کدگذاری محوری مشخص شد که هر پنج معمار، به‌واسطه مفهوم‌های متفاوت، در چهار مقوله نهایی سهیم بوده‌اند. از آنجا که پرسش تحقیق، یافتن اصول راهنما و محورهای اصلی آن بود و این مطالعه نیازمند کدگذاری انتخابی به‌قصد تولید نظریه نمی‌باشد لذا در پایان، با استخراج جداول و مدل‌های مفهومی از تحلیل‌های فوق، جایگاه اصول راهنما در فهم معمار بومی از مسئله طراحی تبیین شد. با توجه به اینکه در تحقیق کیفی به‌جای اعتبار از باورپذیری¹³ بهره گرفته می‌شود پس از اتمام مراحل کدگذاری محوری، چهار مقوله به‌دست آمده با معماران مورد مصاحبه در میان گذاشته شد تا از تأیید محتوای سخن توسط خود ایشان اطمینان حاصل گردد. همچنین نظر به کوچک بودن جوامع روستایی و اهداف و خصایص ذاتی روش‌های کیفی، مدعی تعمیم‌پذیری¹⁴

شناسایی زمینه‌های هویت‌بخش معماری روستایی منطقه می‌پردازد) مورد توجه بوده است.

نتایج آن به همه روستاها و معماران بومی نیست و پس از انجام تحقیقات مشابه در نقاط دیگر می‌توان به حدود تعمیم‌پذیری نتیجه آگاهی یافت.

منبع تحقیق	محقق/سال
مقاله سکونتگاه‌های روستایی و استفاده از زمین ¹⁶	چی شولم ¹⁵ / 1962
مقاله کیفیت مسکن روستایی در نیجریه: مطالعه موردی در ایالت ای ام ¹⁸	اوگو ¹⁷ / 1994
مقاله برنامه‌ریزی مسکن روستایی جمهوری ایرلند: از استراتژی‌های فضایی ملی تا طرح‌های توسعه ²⁰	گارتزیوس ¹⁹ و دیگران/ 2009
مقاله ویژگی‌های مسکن در روستاهای روستایی ²¹ : مورد شمال شرقی مونتنگرو	گوران و دیگران/ 2013
مقاله مفاهیم در الگوهای معماری مسکن روستایی ²² (مطالعه موردی: روستاهای رضوی خراسان)	مظفر و دیگران/ 2016
مقاله شرایط مسکن روستایی در نیجریه ²⁴ : شواهد تجربی از وضعیت کنونی	اودوه ²³ / 2016
مقاله شاخص‌های معماری مسکن روستایی در ایران	محسن سرتیپی‌پور / 1384
مقاله جایگاه مسکن روستایی در تأثیرپذیری تغییرات کالبدی-فضایی روستاها از محیط‌های شهری	1387 / علی شمس‌الدینی
مقاله بررسی تحول معماری مسکن روستایی و تدوین الگوی بهینه مطالعه موردی: شهرستان آق‌فلا	مرتضی توکلی و دیگران/ 1388
مقاله بررسی تحلیلی مسکن روستایی در ایران	1388 / محسن سرتیپی‌پور
مقاله ارزیابی رویکردهای مختلف پیرامون شکل‌گیری مسکن روستایی	1388 / مرتضی خسرونی
مقاله پدیدارشناسی مسکن روستایی	محسن سرتیپی‌پور / 1390
مقاله رازهای معماری روستایی	1390 / غلامرضا اکرمی
مقاله شاخصه‌های همساز با اقلیم در مسکن روستایی استان گیلان	منصوره طاهباز و دیگران/ 1390
مقاله رویکرد محلی‌گرایی در معماری روستاهای ایران	محسن سرتیپی‌پور/ 1391
مقاله اثرپذیری الگوی مسکن روستایی از تغییرات فرهنگی و اجتماعی روستاییان: شهرستان نکا	عناپستانی و دیگران/ 1395
مقاله تحلیل فضایی و سنجش کمی شاخص‌های مسکن روستایی ایران	سعید ملکی و دیگران/ 1395
مقاله ارائه طرح پایه گوارنده زیست‌توده روستایی برای تأمین انرژی با مقیاس محلی (روستای طینوج قم)	یوسف گرجی مهلبانی/ 1395
مقاله طراحی و شکل‌گیری خانه روستایی به روایت معماران قدیمی، مطالعه موردی: روستاهای گرمسار	اکبر زرگر و دیگران/ 1396



ن 1. روش‌شناسی پژوهش مقاله «جایگاه اصول راهنما در فهم معمار بومی از مسئله طراحی». ترسیم و تحلیل: نگارندگان.

مرور ادبیات و چارچوب نظری پژوهش

جهت تدقیق موضوع و نتیجه بهتر در مطالعات پیشینه و سوابق این پژوهش، منابع و پیشینه‌های پژوهش براساس حوزه‌های مورد بررسی به دو حوزه طراحی پژوهی و مسکن روستایی تقسیم شده است.

مرور ادبیات حوزه مسکن روستایی

پیشینه‌های پژوهش‌های فارسی و لاتین مهم در حوزه خانه و مسکن روستایی مورد بررسی قرار گرفت و خلاصه‌ای از آن در جدول شماره 1 آورده شده است. مشاهده می‌شود که مقوله فهم معمار بومی و مسئله طراحی، تنها در مقاله «طراحی و شکل‌گیری خانه روستایی به روایت معماران قدیمی» به نویسندگی زرگر، سرتیپی‌پور، میری و شیخ‌طاهری (که به ثبت و تحلیل روش‌های رایج در معماری منطقه گرمسار و

ج 1. بررسی پیشینه پژوهش و مطالعات انجام شده در حوزه بررسی مسکن روستایی در مقالات و متون. گردآوری و تحلیل: نگارندگان. منابع: (Goran et.al, 2013), (Gkartzius et.al, 2009), (Udoh, 2016), (Mozaffar et.al. 2016), (Chisholm,1962), (Ogu, 1994), (شمس‌الدینی, 1387) (توکلی و دیگران, 1388)(اکرمی, 1390), (ملکی و دیگران, 1395), (خسرونی, 1388), (طاهباز و دیگران, 1390), (زرگر و دیگران, 1396), (عناپستانی و دیگران, 1395), (سرتیپی‌پور, 1391, 1390, 1388, 1384).

مرور ادبیات حوزه طراحی پژوهی

آنجا که برخی ملاک‌های این دسته‌بندی مبتنی بر نگرش این جریان‌ها به شیوه برخورد با مسئله طراحی و نقش طراح در ارائه راه‌حل مناسب برای آن است، بررسی اجمالی آن‌ها مفید می‌نماید. در جدول شماره 2 سوابق مطالعاتی حوزه طراحی پژوهی آورده شده است.

طراحی پژوهی عمر درازی ندارد و از اواخر دهه 1950 و اوایل دهه 1960 بود که به شکلی نظام‌مند مطرح و پیگیری شد. در میان جریان‌های طراحی پژوهی سه نسل مشخص را به رسمیت شناخته‌اند. از

منبع تحقیق	محقق/سال	تأکید
مقاله «معماری و آموزش برتر» ²⁵	دونالد شون/ 1985	تحلیل چگونگی آموزش طراحی در کارگاه
کتاب «تفکر طراحی» ²⁷	پیتز جی راو / 1987	حالت‌های هنجاری در طراحی
کتاب «تحقیق از طراحان صاحب سبک» ²⁹	وی.جی. ریتل / 1993	روش طراحی به‌مثابه روش مجادله‌ای
کتاب «تفکر جدید برای هزاره جدید» ³¹	دی بونو / 2000	آموزش طراحی و تجربیات معنادار و قابل انتقال به زندگی روزمره
کتاب «طراحان چگونه می‌اندیشند» ³³	برایان لوسون / 2000	مسئله‌های طراحی، تفکر و اندیشیدن در طراحی
پژوهش «فرایند تفکر طراحی»	الِن دو / 2002	روش طراحی به‌مثابه یک روش بحث و مناظره‌ای
تذقیق‌بندی مؤثر در طراحی ³⁶ و مقاله قیاس‌ها و استعاره‌ها در طراحی خلاق ³⁷	جاناناتا هی و دیگران / 2008-2002	اهمیت استعاره در طراحی و رابطه آن با قیاس رابطه بین استعاره و قیاس در فرایند طراحی
کتاب «طراحی در ذهن» ³⁸	برایان لوسون / 2004	به‌کارگیری راهی متفاوت برای مسائل مشابه و تمرکز تفکر طراحی روی ایده‌ها
کتاب «شیوه طراحانه دانستن» ⁴⁰	نایجل کراس / 2006	تحقیق در تفکر طراحی
مقاله‌های استعاره در حل مسئله طراحی: لازمه خلاقیت ⁴² و استعاره‌ها در استودیوهای طراحی: مفاهیم آموزش ⁴³	کازاکین / 2007-2004	رابطه استعاره و خلاقیت
مقاله استعاره در طراحی مفهومی ⁴⁵	هی و آگوگینو / 2007	نقش استعاره در طراحی معماری
مقاله استعاره در طراحی مفهومی ⁴⁷ و مقاله قیاس و استعاره‌ها در طراحی خلاق ⁴⁸	سوارز و پمبو / 2010	روش طراحی به‌مثابه یک روش تفسیری
کتاب «شیوه طراحانه دانستن» ⁴⁹	نایجل کراس / 2017	تحقیق در تفکر طراحی
مقاله جستاری در فرایند طراحی	حمید ندیمی / 1378	فرایند طراحی
مقاله تفکر در طراحی	امیر سعید محمودی / 1383	معرفی الگوی تفکر در آموزش طراحی
مقاله آفرینش‌گری و روند آموزش خلاقانه در طراحی	جواد مهدوی نژاد / 1384	آموزش خلاقانه در طراحی معماری
مقاله‌های تفکر طراحی و الگوهای فرایندی	گرچی مهلبانی / 1389	آینده آموزش معماری
مقاله‌های منابع ایده پردازی معماری، جستاری در فرایند ایده‌پردازی چند معمار و قاب‌بندی مسئله: راه طراحانه رویارویی با مسئله طراحی	فرهاد شریعت راد و حمید ندیمی / 1395 و 1391	مسئله طراحی قاب‌بندی مسئله طراحی

ج 2. سوابق مطالعاتی حوزه طراحی پژوهی از سال 1985 تا 2017. گردآوری و تحلیل: نگارندگان، منابع: (گرچی مهلبانی، 1389)، (محمودی، 1383)، (مهدوی نژاد، 1384)، (ندیمی، 1378)، (شریعت‌راد و ندیمی، 1391 و 1395)، (Hey et.al, 2002, 2008), (Casakin, 2004, 2007), (Cross, 2006, 2017), (Do, 2002), (De Bono, 2000), (Ritel, 1993), (Rowe, 1987), (Rayan, 1995), (Lawson, 2000, 2004), (Hey, 2002), (Soares, Pombo, 2010a, b).

به‌جای تصمیمات فرد- مبنا است. در حالی‌که نسل اول و سوم را براساس رویکردشان به مسئله طراحی و شیوه برخورد با آن می‌شناسیم. نسل اول عینیت‌باور و ملتزم به مؤلفه‌های عینی بیرونی بود ولی نسل سوم بر ساختارهای ذهنی طراح تکیه داشت (ندیمی، 1378: 96). این نسل که

نسل اول روش‌های تحلیل- ترکیب، نسل دوم روش‌های مشارکتی و همچنین نسل سوم روش‌های طرح مایه-آزمون‌نامیده شده‌اند. نسل دوم تا حدودی متمایز از دو جریان دیگر است و رویکرد اصلی آن معطوف به ماهیت جمعی تصمیم‌گیری در روند طراحی

تحت تأثیر خردباوری مدرن قرار دارد، به شیوه‌های عقلی برای شناخت مسئله و ارائه راه‌حل قائل است. حذف کامل پیش‌زمینه‌های ذهنی طراح و یا تخفیف آن‌ها به حداقل ممکن، آرمان این جریان به شمار می‌رود زیرا فارغ از این پیش‌داوری‌هاست که شناخت علمی از مسئله محقق می‌شود. بروس آرچر⁵⁰ که از طراحان هم‌بین نسل به‌شمار می‌رود این سه مرحله را چنین توضیح می‌دهد: «مرحله اول شامل مشاهده و منطق استقرایی است. مرحله دوم شامل گزینش و تفکر خلاقانه است و مرحله سوم تشریح، ترجمه و انتقال طراحی به کسانی است که از آن استفاده می‌کنند» (لنگ، 1394: 46) اما در مقابل، نسل سومی‌ها نقشی چنین منفعل را برای طراح واقع‌گرایانه نمی‌پندارند و از طرح‌واره‌های ذهنی سخن به میان می‌آورند که انسان به‌واسطه آن‌ها جهان را برای خود ساختار می‌بخشد. در این نگرش، اینکه طراح برای فهم مسئله معماری ابتدا باید به آن ساختاری ببخشد و سپس ادامه دهد امری نه مذموم بلکه گریزناپذیر قلمداد می‌شود. به‌طور معمول این ساختار بخشیدن به‌واسطه طرح مایه و راه‌حل کلی امکان‌پذیر می‌شود. از همین رو به‌طور خلاصه باید گفت که از دهه شصت میلادی تاکنون طرح مایه یا کانسپت نقش تعیین‌کننده‌ای در مطالعات طراحی پژوهی ایفا نموده است و باور عمومی بر این است که «طراحی به‌عنوان عملی خلاق، از فکر اولیه یا به عبارت دقیق‌تر از طرح مایه آغاز می‌گردد نه از مطالعات و تحقیقات تحلیلی و جزئی‌نگرانه.» «طرح مایه ایده‌ای است که عناصر مختلف را در یک کل منسجم در کنار هم جمع می‌کند.» یک مشی کلی از جنس راه‌حل که از ذهن طراح بیرون می‌آید و اجزای مسئله را دور خود گرد می‌آورد. طرح مایه همان کاری را انجام می‌دهد که در بیان هیلیری و همکارانش انتظام دادن به مسئله طراحی و به‌عنوان پیش‌نیاز حل مسئله دانسته شد» (ندیمی،

1378: 96-44). در جدول شماره 3 مدل‌های فرایند طراحی براساس نگاه نسل اول تا سوم مشاهده می‌شود.

فرایند و مسئله طراحی⁵¹

فرایند طراحی با طرح یک مسئله آغاز می‌شود (Chand, Runco, 1992: 155-162). طراحان مسئله را با خروجی طراحی شده از طریق فرایند طراحی حل می‌کنند (Aspelund, 2006). این فرایند از مواجهه طراح با مسئله آغاز و تا رسیدن به محصول طراحی ادامه می‌یابد. مارکوس و می⁵² این فرایند را دارای چهار مرحله می‌دانند که در برخی اوقات تا حصول نتیجه، چندین بار تکرار می‌گردد و در هر مرحله امکان بازگشت به مرحله قبلی وجود دارد: تحلیل، ترکیب، ارزیابی و تصمیم‌گیری. تحلیل عبارت است از نظم دادن و ساختار بخشیدن به مسئله و ترکیب، تلاش برای حرکت به جلو و خلق پاسخ برای مسئله است. مرحله ارزیابی، متضمن سنجش منتقدانه راه‌حل‌های پیشنهادی در برابر اهداف شناسایی شده مرحله تحلیل است (لاوسون، 1387، 42). یک طراح باید در ابتدا به تحلیل مسئله طراحی پرداخته و سپس به ارائه یک راه حل مبادرت ورزد. طراح به‌نوعی علاقه‌مند به دخیل کردن خویشتن خود در این فرایند است که این اتفاق از لحظات آغازین تفسیر صورت مسئله توسط طراح کلید می‌خورد. از نظر دانش‌آموخته‌های امروز معماری، اساس کار و سرآغاز معماری، با طرح و نقشه‌های مربوط به آن شکل می‌گیرد اما در فرایند معماری بومی، طراحی پیوندی نزدیک با ساخت دارد. امروزه تقسیم‌کار بین آن‌ها که طراحی می‌کنند و آن‌ها که می‌سازند، اساس جامعه فن مدار ما شده است. همچنین جدا افتادگی روزافزون طراحان از کسانی که برای آن‌ها طراحی می‌کنند نیاز به تفحص در خواسته‌های استفاده‌کننده را پدید آورده است (لاوسون، 1378: 25).

روشن‌های طراحی	فرایند شهودی غیرقابل توضیح، پیش از پایان جنگ جهانی دوم تا 1950 و اوایل 1960	نسل اول: روش‌های تحلیل-ترکیب اواخر دهه 1960 تا اوایل دهه 1970	نسل دوم: روش‌های مشارکتی اوایل دهه 1970 تا اوایل دهه 1980	نسل سوم: روش‌های طرح مایه-آزمون اواخر دهه 1960 تا اوایل دهه 1970
مدل فرایند طراحی	---	مدل عقلایی روش‌های نظام‌مند طراحی رویکرد مرحله‌ای مدل‌های آرچر 1960، جونز 1960، شش حوزه انجمن معماران آمریکا، استودر، رفتار-احتمال 1960، آرمانی	مدل فرایند جدلی هورست رتیل 1972 ولادیمیر باز جاناک	طراحی به‌عنوان فرضیه و آزمون بیل هیلی بر و همکاران
جایگاه و نقش طراح	ذهن طراح جعبه سیاهی برای تبدیل داده‌های کسب‌شده در فرایندی مرموز به نتیجه‌ای قابل قبول	درجه بالایی از عقلانیت را در نقش طراح در نظر می‌گیرد: طراحی براساس اعتقاد طراح را موفق‌تر می‌دانند.	زیر سؤال بردن نقش طراح به‌عنوان تصمیم‌گیرنده اصلی با مشارکت کاربران، طراح یک کارگردان فنی فراهم آورنده اطلاعات تصمیم‌گیری	پیش‌بینی دقیق طراحی معماری، پیکربندی مورد نیاز برنامه طراحی، فرایند ارزیابی و چگونگی اجرای بنا، تکیه بر ساختارهای ذهنی طراح
شکل فرایند	کیفی و اثباتی	خطی متوالی باشخصیت هنجاری و ارزشی	متوالی اما غیرخطی	غیرخطی اثباتی
مراحل و مسیر فرایند	الهام و شهود مرور تجربیات طراح تصمیم‌گیری فردی	تجزیه، تحلیل، ترکیب و ارزیابی، تأکید بر ارزیابی در هر مرحله از فرایند خطی، تعریف نظام رفتاری، تعیین نظام کالبدی، درک و تحلیل نظام محیط-رفتار	دو نوع فعالیت: ایجاد تنوع و تقلیل تنوع	فرضیه‌سازی و جستجوی راه‌حل (ارزشیابی و حدس - تحلیل (پیش‌بینی و ارزشیابی))
عوامل مؤثر	طراح و تجربه‌های گذشته او	فرایند طراحی متأثر از زمینه وقوع آن و نگرش به جهان هستی و نظریه محتوایی طراح	جامعه شرکت یافته در جدل	طرح و تجربیات گذشته
جمع‌بندی تحلیلی	منکی بر تصمیم‌گیری فردی	یکنواخت و خطی	مشارکتی	ادراکی و کیفی
				استقرایی

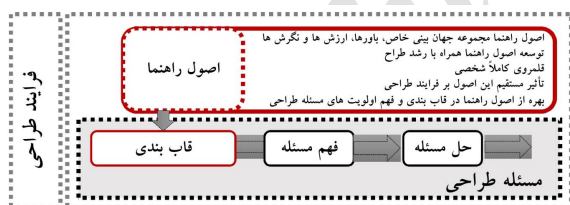
ج 3. مدل‌های فرایند طراحی براساس نگاه نسل اول و سوم، منبع: (لاسون، 1387) (Lawson, 2000).

را ترجیح داده و آن‌را به‌عنوان قید محوری مسئله برگزیند که بر مبنای همین رجحان است که مولد اولیه طرح شکل می‌گیرد. به این ترتیب با معطوف شدن توجه بر معدودی از قیود در ابتدا و حرکت سریع به سمت ایده‌هایی از راه‌حل، دامنه راه‌های ممکن محدود

اصول راهنما⁵³ و تبیین جایگاه آن در فرایند طراحی معمولاً مسئله‌های طراحی بسیار گسترده هستند و دامنه وسیعی از موضوعات و قیود مختلف را شامل می‌شوند و لاجرم هر طراح برای شروع یک حرکت جدی در راستای رسیدن به یک راه‌حل بایستی یکی از این قیود

می‌شود اما چه چیز یک قید را محوری می‌نماید؟ می‌دانیم که طراحان مختلف بر سر این موضوع هم‌نظر نبوده و اختلاف نظرهای جدی دارند (Darke, 1978, 325-337). برای پاسخ به این سؤال باید بدانیم که هر مسئله طراحی از یک لوح سفید یا ذهن تهی شروع نمی‌شود. هر طراح به‌نوعی واجد یک جهان‌بینی خاص است و مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها و نگرش‌ها را با خود حمل می‌کند که به آن «اصول راهنما» می‌گوییم. این ایده‌ها چه مجموعه‌ای از افکار پراکنده و چه فلسفه و نظریه کامل طراحی را تشکیل دهند، می‌توانند مجموعه اصول راهنما تلقی شوند. این مجموعه اصول همراه با رشد طراح تغییر و توسعه می‌یابد و بعضی اوقات ممکن است با قدرت چشمگیری حراست شود و به‌صورت قلمروی کاملاً شخصی درآید. تأثیر این اصول بر فرایند طراحی بسیار قابل توجه است. اهمیت اصول راهنما را از راه‌های گوناگون می‌توان بررسی کرد. برخی طراحان قادرند که این اصول را بسیار روشن، بیان و آن‌ها را با اعتقادی راسخ حفظ کنند درحالی‌که دیگران کمتر از درستی آن اطمینان دارند و برخی طراحان به‌نظر می‌رسد، می‌گذارند اصول راهنمای آن‌ها بر فرایند حاکم شود درحالی‌که برای بقیه این اصول در پس زمینه قرار دارد. بالاخره می‌توان محتوای آن ایده‌ها را سنجید و دید چه ارتباطی بین آن‌ها و الگوی مسئله طراحی وجود دارد که تاکنون ترسیم شده است. محتوای اصول راهنمای طراحان نیز به همان میزانی که خود آن‌ها باهم متفاوت‌اند تنوع دارد (لاوسون، 1384: 189-191). طراح براساس همین اصول، مسئله را تحلیل و تفسیر می‌نماید و سپس با انتخاب یک قید محوری به ارائه یک مولد اولیه مبادرت می‌ورزد که پایبندی به این اصول در طول طراحی رنگ و بویی اخلاقی به کار می‌بخشد. شاید اکنون این

تعریف کریس جونز از طراحی قابل فهم باشد: اجرای معتقدانه عملی بسیار پیچیده (Jones, 1966). طراح به‌عنوان یک مفسر، مسیر طراحی را می‌سنجد تا به مناسب‌ترین واکنش در آن لحظه خاص دست یابد و تفسیر را به‌عنوان فرایندی در نظر می‌گیرد که به‌طور مداوم عواملی را ارزیابی و پیش‌ارزیابی می‌کند (Soares, Pombo, 2010). از طرفی قاب‌ها انگاره‌های تفسیری هستند که طراحان با آن‌ها به موقعیت طراحی ساختار و معنی می‌بخشند و قابل فهم می‌کنند. همچنین به‌طور مداوم، از طریق این قاب‌های تفسیرکننده، جهان پیرامون خود را درک می‌کنند و از این‌رو علاقه‌مندند تا این قاب‌ها را برای خود ثابت کنند (شریعت‌راد، ندیمی، 1395: 19). اصول راهنما اشاره به اصولی است که طراح به آن‌ها باور دارد و از آن‌ها در قاب‌بندی و فهم اولویت‌های مسئله طراحی بهره می‌گیرد و منجر به شکل‌گیری فهم مؤثر مسئله و در نهایت حل مسئله خواهد شد. این اصول که متکی به جهان‌بینی طراح شکل می‌گیرند، موجب نوعی وحدت رویه در قبال برخورد با مسئله‌های گوناگون طراحی می‌شوند (نمودار شماره 2).



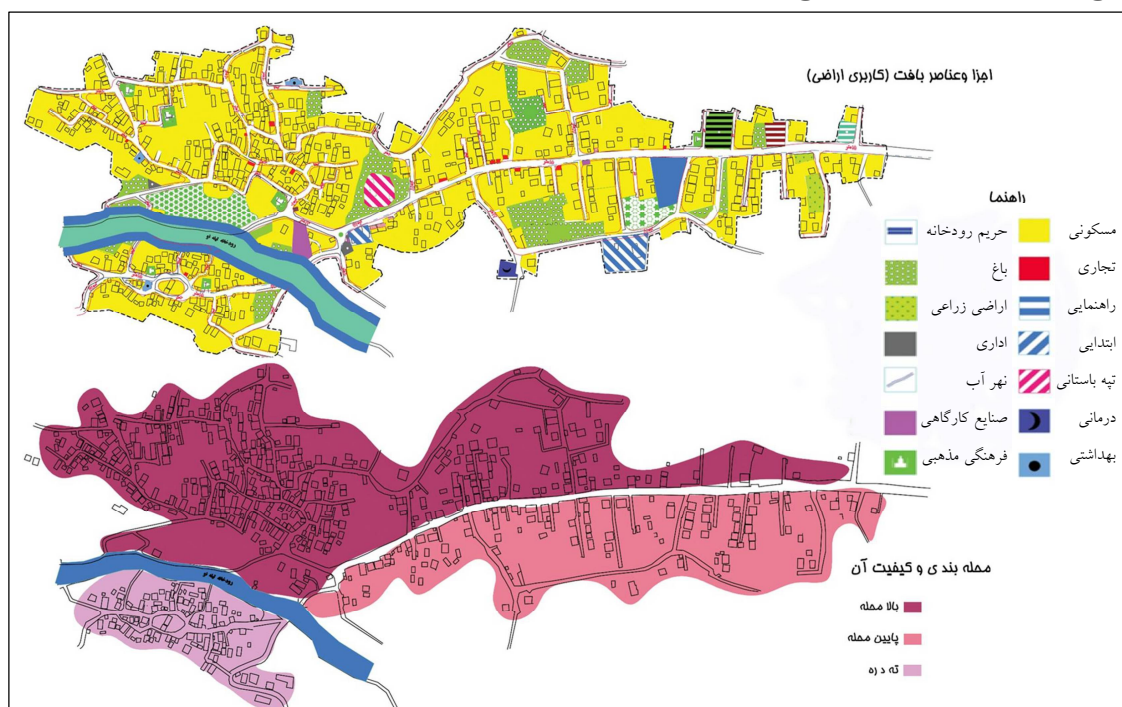
ن 2. تبیین جایگاه اصول راهنما در فرایند طراحی و بهره‌گیری از آن در قاب‌بندی مسئله طراحی. ترسیم و تحلیل: نگارندگان.

روستای سراج محله

روستای سراج محله واقع در دهستان کلباد شهرستان گلوگاه، در 5 کیلومتری این شهر و در 20 کیلومتری شهرستان بهشهر واقع شده است. وجود عوامل طبیعی

چون نهر آب و رودخانه و خاک مناسب و پهناور باعث شده تا اهالی روستاهای اطراف به خاطر آب و هوای خوب در آنجا سکنا گزیده و هسته اولیه روستا را تشکیل دهند و از آنجا که در ابتدای این روستا، چراغی برای شناسایی روشن بوده و چراغ در عربی به معنای سراج است، بدین علت آنرا سراج محله نامیدند.

برداشت چند نمونه از خانه‌های روستای سراج محله با طراحی و اجرای معمار بومی در تصویر شماره 1، نقشه کاربری اراضی و محله بندی روستای سراج دیده می‌شود. جهت تدقیق موضوع، سه نمونه از مسکن های بالا محله و پایین محله برداشت و ترسیم شد و در جدول 4 قابل مشاهده است.



ت 1. نقشه اجزا و عناصر بافت (کاربری اراضی) و محله بندی و کیفیت آن، سال 1390. ترسیم و تحلیل: نگارندگان.

تحلیل محتوا

بعد از مصاحبه با معماران بومی، گفته‌ها به صورت متن استخراج شد. برخی واژه‌های بومی و یا لهجه مشارکت‌کنندگان از محدودیت‌های این پژوهش بود که موجب شد در برخی موارد با تماس دوباره با مشارکت‌کننده از منظور وی اطمینان حاصل شود. داده‌های به دست آمده متنی در مرحله بعد، یک مرحله

انتزاعی سازی شده و در قالب مفاهیم درآمده است. سپس در گام بعدی، با تجمیع مفاهیم مشابه در قالب مقوله‌های کلی تر که «کدگذاری محوری» نامیده می‌شود، انتزاعی سازی دوم صورت گرفته است. در نهایت چهار مقوله به عنوان محتوای کلی سخن استخراج شده است که به همراه نمونه‌هایی از مراحل کدگذاری آمده است (جدول شماره 5).



ج 4. برداشت و ترسیم 3 نمونه مسکن روستایی سراج محله در بالا محله و پایین محله براساس تیپولوژی غالب. ترسیم و تحلیل: نگارندگان.



ادامه ج 4. برداشت و ترسیم 3 نمونه مسکن روستایی سراج محله در بالا محله و پایین محله براساس تیپولوژی غالب. ترسیم و تحلیل: نگارندگان.

معماری	کدگذاری	
	باز	متن مصاحبه
پرهیز از اسراف	بهبود کردن مصالح	1 معمار باید حواش باشه که اتاق وقتی بزرگ می شه دیوارها هم باهاش بزرگ می شه... هم خشت بیشتر نیاز می شه هم بی الکی سنگین می شه چوب های سقف
	دل مشغولی برای سوخت	2 ... نه همه اتاق ها پنجره نمی خواهند. پنجره کوچک کافیه برای خیلی از اتاق ها. می دونی چقدر باید اینجا آتش بسوزون تا گرم بشه زمستون؟
	پرهیز از هزینه غیر ضروری	3 ... طبقه بیشتر از دو تا فایده نداره. چوبش دیگه با این چوب راه نمیفته. باید بریم از بیرون از ده بیاریم پول هم بدیم. ساختمان باید با دو تا طبقه تموم بشه کارش
	پرهیز از تزئینات غیر کاربردی	4 تزئینات اضافی برای روستا به کار نمیاد... ما ساده کار می کنیم معمولاً و اکثراً همین رو می پسندن
	صرفه جویی در استفاده چوب	5 تو طراحی و ساخت حواسمون هست که تالارها به اندازه استفاده بشه. هم مقاوم باشه هم زیادی نباشه
هماهنگی با طبیعت و اقلیم	دوری از ساخت کنار رودخانه	1 ... بعد از سیلی که تو روستا اومد، خونه ها رو دورتر از رودخونه می سازیم معمولاً
	استفاده از مصالح بومی	2 ما بیشتر از مصالحی که داریم تو روستا استفاده می کنیم مثل چوب، خشت، آجر و ...
	بررسی اقلیمی	3 خونه های بالای روستا رو پشت به باد طراحی می کنیم که زمستون وقتی باد شدید میاد سرد نشه...
	توجه به عوامل طبیعی	4 ... نه ما درخت ها رو تا می تویم قطع نمی کنیم... اگه درخت باشه تو زمین، نمای خونه و پنجره ها رو سمت درخت و طبیعت می داریم
	توجه به بارش و نور مطلوب	5 بله چون بارون داریم سقف خونه ها رو شیب دار می زنیم، پنجره ها را رو به نور خوب می داریم که خونه روشن باشه و چراغ رو دیرتر روشن کنن
توجه به مصالحت کارفرما	توجه به نظر کارفرما در طراحی	1 صاحب کار نظرش مهمه، چون می خاد بره توی اون خونه سال ها زندگی کنه... مثلاً میگه چند تا اتاق با چه اندازه ای می خواد داشته باشه
	توجه به نظر کارفرما در انتخاب مصالح	2 مصالح گرون تر رو اگر صاحب خونه خودش بخاد براش توی خونه طراحی می کنه، خودم نمی دارم قبل نظر اون
	توجه به تعداد نفرات برای طراحی	3 مهمه که چند نفر میخوان اینجا زندگی کنن. تو اندازه اتاق ها، تعدادش و ... تأثیر می داره. بعضی ها هم مهمون زیاد دارن با بیجه ها شون ازدواج کردن و زیاد میان خوشن و اتاق بیشتر می خوان
	توجه به اقتصاد و رضایت کارفرما	4 این که خونه به اتاق بیشتر داشته باشه که فردا پسرش دوماه شد توش زندگی کنه، مهم تر از اینه که ایوون رو بزرگ تر بگیرم که فقط خونه رو قشنگ تر می کنه
	توجه به توسعه بنا در کنار توسعه نیازهای کارفرما	5 خونه باید جوری باشه که بعداً بشه بهش اتاق اضافه کرد که صاحبش در نمونه
رعایت حقوق همسایگی	رعایت حریم همسایگی	1 ما خونه ها رو خیلی نزدیک خونه همسایه نمی سازیم، فاصله باید باشه
	عدم مشرقیت به خانه همسایه	2 ... دید به خونه همسایه نمی دارم تو طرحم، پنجره ها رو به سمت حیاط و زمین صاحب خونه در میارم
	توجه به حقوق همسایه	3 خونه حواسمون به همسایه کناری باشه، چه توی طراحی چه ساخت خونه. مثلاً تو ساخت مصالح زیاد ریخت و پاش نشه...
	رضایت همسایه در حین ساخت	4 همسایه باید راضی باشه، سرو صدا موقع ساخت اذیتش نکنه...
	رعایت حریم همسایگی	5 برای بعضی خونه ها که می شه، در ورودی رو با فاصله از همسایه کناری می دارم یا تو کوچه بغلی...

ج 5. نمونه ای از اصول راهنمای معمار بومی در فرایند طراحی براساس کدگذاری باز و کدگذاری محوری. تدوین و تحلیل: نگارندگان.

فرایند طراحی برای طراحان از صفر یا لوح سفید آغاز نمی‌شود. مطالعات طراحی پژوهی نشان داده است طراح همواره برخی دانسته‌ها و مواضع را از بیرون به مسئله وارد می‌کند. این وارد شدن لزوماً آشکار نیست و به‌طور ضمنی در خلال فرایند طراحی رخ می‌دهد. یک مدل پرکاربرد در مطالعات طراحی پژوهان، مدلی است که فرایند طراحی را واجد سه فعالیت، تحلیل، ترکیب و ارزیابی می‌داند و رفت و برگشت میان آن‌ها را نیز لحاظ می‌نماید. اصول راهنمای مدنظر در این پژوهش در زمره تحلیل مسئله قرار می‌گیرد. در حقیقت در مرحله تحلیل، طراح با تفسیر خود از مسئله به مسئله‌ای بی‌شکل، سروشکل می‌دهد و به آن چارچوب می‌بخشد. به فرایند چارچوب دادن به فهم مسئله «قاب‌بندی» گفته می‌شود. از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی که تفسیر مسئله و قاب‌بندی را هدایت نموده و صورت‌بندی می‌کند، «اصول راهنمای طراح» است. از آنجا که اصول راهنمای طراحی برآمده از جهان بینی طراح در عام‌ترین سطح است، بررسی اصول راهنمای معمار بومی امکان خوانش ابعاد تازه‌ای از مواجهه معماربومی با طراحی را میسر می‌سازد.

این پژوهش به دنبال آن بود تا محتوای اصول راهنمای معمارانی را مشخص نماید که بدون تحصیلات دانشگاهی در روستای سراج‌محله با مصالح و نیروی کار بومی به فرایند ساخت اثر مشغول هستند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که:

معماران بومی نیز از اصول راهنما در قاب‌بندی و فهم اولویت‌های مسئله طراحی بهره می‌گیرند. این اصول که متکی بر جهان‌بینی طراح شکل می‌گیرند، موجب نوعی وحدت رویه در برخورد با مسئله‌های طراحی می‌شوند.

اصول راهنما نقش محدود کننده قوی در فرایند طراحی معمار بومی دارند، طوری که به واسطه رجوع معمار بومی به این اصول، بسیاری تصمیمات طراحی دیگر امکان طرح شدن نمی‌یابند و موجب می‌شود نقش فردیت طراح در فرایند، کمتر از بایسته‌های برآمده از این اصول باشد.

نکته مهم دیگر در نتایج این پژوهش آن است که شباهت قابل توجهی میان اصول راهنمای هر پنج معمار مشارکت‌کننده در پژوهش وجود داشته است. همان‌طور که در توضیح روش‌شناسی پژوهش آمده است هر پنج معمار مشارکت‌کننده در پژوهش، در تولید محتوای چهار مقوله استخراج شده نهایی سهیم بوده‌اند یعنی اگرچه در کدگذاری باز مفاهیم متنوعی وجود داشت اما به دلیل وحدت مضمونی، در حین کدگذاری محوری در ذیل مقولات مشابه و مشترکی دسته‌بندی شده‌اند. این امر می‌تواند ریشه در بستر فرهنگی همگن و نسبتاً دست‌نخورده در روستا داشته باشد.

همچنین محتوای این اصول می‌تواند در چند مقوله شناسایی شود: پرهیز از اسراف، هماهنگی با طبیعت، توجه به مصلحت کارفرما و همچنین رعایت حقوق همسایگی از مهم‌ترین اصولی است که همواره در مواجهه با مسئله طراحی مدنظر معماران بومی قرار می‌گیرد و فرایند را جهت‌دهی و محدود می‌نماید و فهم مؤثری از مسئله طراحی به طراح می‌دهد (جدول شماره 6).

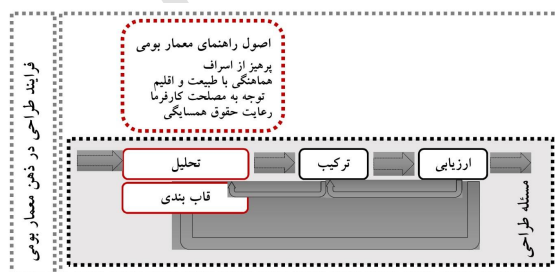
نسبت میان این برخورد با اصول راهنما در قیاس با معماران غیر بومی موضوعی است که می‌تواند در پژوهش‌های آینده مورد توجه قرار بگیرد و به فهم کامل‌تری از مختصات طراحی در محیط‌های بومی و معدود باقی مانده بیانجامد. نتایج و تحلیل کلی پژوهش در قالب یک مدل در نمودار شماره 3 آورده شده است.

8. Donald Schon
 9. Framing
 10. قاب مؤثر قابی است که طراح با تفسیری که از مسئله ارائه می‌دهد و فرایند طراحی را از فضای فهم مسئله به فضای حل مسئله پرتاب می‌کند و می‌توانیم آن را نوعی "فهم مؤثر" مسئله بنامیم (Schon:1985).

11. Open Coding
12. Axial Coding
13. Credibility
14. Generalizability
15. Chisholm
16. rural Settlements and Land Use
17. Ogu
18. Architecture & the higher learning
19. Gkartzios
20. Planning for Rural Housing in the Republic of Ireland: From National Spatial Strategies to Development Plans
21. Characteristics of housing in rural villages
22. Concepts in Architectural Patterns of Rural Housing
23. Udoh Usen
24. Rural housing quality in Nigeria: A case study from Imo State
25. Architecture & the higher learning
26. Peter G. Rowe
27. Design Thinking
28. W.J.Rittle
29. The researching of designers host
30. De Bono
31. New Thinking For The New Millennium
32. Bryan Lawson
33. How designers tink
34. Ellen Do
35. Hey, Jonathan H. G
36. Effective Framing in design
37. Analogies and Metaphors in Creative Design
38. Design in mind
39. Nigel cross
40. Designerly Ways of Knowing
41. Casakin, Hernan Pablo
42. Metaphors in Design Problem Solving: Implications for Creativity
43. Metaphors in the design studio: Implications for education
44. Agogino Alice
45. Metaphors in Conceptual Design
46. Soares, Liliana, Pombo, Fatima
47. Metaphors in Conceptual Design
48. Analogies and Metaphors in Creative Design
49. Designerly Ways of Knowing
50. Bruce Archer
51. Design Process
52. Markus & Maver
53. Guidling principle

تحلیل	نتایج
بررسی اصول راهنمای معمار بومی، امکان خوانش ابعاد تازه‌ای از مواجهه معمار بومی با طراحی را روشن می‌سازد و موجب وحدت رویه در برخورد با مسئله‌های طراحی می‌شود.	بهره‌گیری معماران بومی نیز از اصول راهنما در قاب‌بندی و فهم اولویت‌های مسئله طراحی
نقش فردیت طراح در فرایند کمتر از بایسته‌های برآمده از این اصول باشد.	نقش محدودکننده قوی اصول راهنما در فرایند طراحی معمار بومی
ریشه در بستر فرهنگی همگن و نسبتاً دست‌نخورده در روستا دارد.	وجود شباهت قابل‌توجهی میان اصول راهنمای هر پنج معمار مشارکت‌کننده در پژوهش
در مواجهه با مسئله طراحی مدنظر معماران بومی قرار می‌گیرد، فرایند را جهت‌دهی و محدود می‌نماید، فهم مؤثری از مسئله طراحی به طراح می‌دهد.	محتوای اصول راهنما: پرهیز از اسراف، هماهنگی با طبیعت، توجه به مصلحت کارفرما و همچنین رعایت حقوق همسایگی

ج 6. نتیجه تبیین جایگاه اصول راهنما در فهم معمار بومی از مسئله طراحی معماری در روستای سراج محله. تدوین: نگارندگان.



ن 3. ارائه مدلی جهت تبیین جایگاه اصول راهنما در فرایند طراحی در ذهن معمار بومی. ترسیم و تحلیل: نگارندگان.

پی‌نوشت

1. Close-ended problem
 2. Well defined
 3. Open-ended problem
 4. Ill- defined problem
 5. Wicked problem
 6. What is Problem
7. این همان دلیلی است که برای مسائل واحد با پاسخ‌های متنوع از سوی طراحان مواجه می‌شویم و تنوع راه حل‌ها برای یک مسئله واحد ریشه در تنوع تعاریف از آن مسئله دارد.

فهرست منابع

- شمس الدینی، علی. (1378). جایگاه مسکن روستایی در تأثیرپذیری تغییرات کالبدی - فضایی روستاها از محیط‌های شهر. فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره 124، صص 51-40.
- طاهباز، منصوره؛ جلیلیان، شهربانو. (1390). شاخصه‌های همسازی با اقلیم در مسکن روستایی استان گیلان. مسکن و محیط روستا، شماره 135، صص 42-23.
- عنابستانی، علی‌اکبر، انزایی، الهه، بهزادی، صدیقه (1395)، اثرپذیری الگوی مسکن روستایی از تغییرات فرهنگی و اجتماعی روستاییان مورد: شهرستان نکا، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، دوره 5، شماره 16، صص 42-21.
- گرجی مهلبانی، یوسف. (1386). تفکر طراحی و الگوهای فرایندی. نشریه علمی پژوهشی صفا، سال شانزدهم، شماره 45، پاییز و زمستان، صص 124-106.
- گرجی مهلبانی، یوسف؛ سرتیپی پور، محسن؛ تازی، مهتا. (1395). ارائه طرح پایه گوارنده زیست توده روستایی برای تأمین انرژی با مقیاس محلی (نمونه موردی: روستای طینوج قم). مسکن و محیط روستا، شماره 165، زمستان.
- گروت، لیندا؛ وانگ، دیوید. (1388). روش‌های تحقیق در معماری. ترجمه علیرضا عینی‌فر، چاپ سوم، نشر دانشگاه تهران.
- لنگ، جان. (1394). آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط. ترجمه علیرضا عینی‌فر، نشر دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ.
- محمدپور، احمد. (1389). ضد روش، منطق و طرح در روش شناسی کیفی (جلد 1)، نشر جامعه‌شناسان، تهران.
- محمودی، امیر سعید. (1383). تفکر در طراحی، معرفی الگوی تفکر تعاملی در آموزش طراحی. نشریه هنرهای زیبا.
- ملکی، سعید، حسینی کهنوج، سیدرضا، ویسی، الهام، رحمانی لیر، پیروز. (1395). تحلیل فضایی و سنجش کمی شاخص‌های مسکن روستایی ایران، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، دوره 5، شماره 15، بهار، صص 21-14.
- مهدوی‌نژاد، محمدجواد. (1384). آفرینش‌گری و روند خلاقانه در طراحی معماری. مجله هنرهای زیبا، شماره 21.
- ندیمی، حمید. (1378). جستاری در فرایند طراحی. مجله صفا، شماره 29.
- اکرمی، غلامرضا. (1390). رازهای معماری روستایی. فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره 131، صص 48-25.
- توکلی، مرتضی؛ فاضل‌نیا، غریب؛ گلدی شرافت سید امان. (1388). بررسی تحول معماری مسکن روستایی و تدوین الگوی بهینه مطالعه مورد: شهرستان آق‌قلا. فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره 127، صص 32-14.
- خسرو نیا، مرتضی. (1388). ارزیابی رویکردهای مختلف پیرامون شکل‌گیری مسکن روستایی. فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره 127، صص 43-32.
- زرگر، اکبر، سرتیپی پور، محسن، میری، سیدحسین، شیخ طاهری، حامد. (1396). مقاله طراحی و شکل‌گیری خانه روستایی به روایت معماران قدیمی، مطالعه موردی: روستاهای شهرستان گرمسار. فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره 158، تابستان، صص 20-3.
- دلاور، علی. (1374). مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی، تهران: انتشارات رشد.
- سرتیپی پور، محسن. (1384). شاخص‌های معماری مسکن روستایی در ایران، نشریه هنرهای زیبا، شماره 22، تابستان، صص 52-43.
- سرتیپی پور محسن. (1388). بررسی تحلیلی مسکن روستایی در ایران، مجله صفا، دوره 19، شماره 12، صص 60-47.
- سرتیپی پور، محسن. (1390). پدیدارشناسی مسکن روستایی. فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره 133، بهار، صص 14-3.
- سرتیپی پور، محسن (1391)، رویکرد محلی‌گرایی در معماری روستاهای ایران، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، دوره 1، شماره 2.
- شریعت راد، فرهاد، ندیمی، حمید. (1391). منابع ایده پردازی معماری، جستاری در فرایند ایده‌پردازی چند معمار از جامعه حرفه‌ای کشور، نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی، شماره 2، تابستان، صص 14-5.
- شریعت راد، فرهاد؛ ندیمی، حمید. (1395). قاب‌بندی مسئله: راه طراحانه رویارویی با مسئله طراحی. صفا، شماره 3، پاییز، صص 24-5.

- House, Jordan Hill, Oxford OX2 8DP, 30 Corporate Drive, Burlington, MA 01803, First published 2004.
- Lawson, Bryan. (2000). How designers think, the design process demystified, Architectural Press, Kent UK.
- Lawson, Bryan. (2004). What Designers Know, Architectural Press, An imprint of Elsevier, Linacre House, Jordan Hill, Oxford OX2 8DP, 30 Corporate Drive, Burlington, MA 01803, First published 2004.
- Mozaffar, Farhang, Abdemojiri, Amin, Sadat Hashemian, Afsaneh (2016), Concepts in Architectural Patterns of Rural Housing (Case Study: the Villages of Ra`zavi Khorasan), Journal of Housing and Rural Environment, Volume 35, Issue 154, pp.59-74.
- Ogu, Vincent Ifeanyi (1994), Rural housing quality in Nigeria: A case study from Imo State, Habitat International, Volume 18, Issue 3, Pages 53-65.
- Ritel, W.J. (1993). The researching of designers host, university of California, Berkley, Universities Stuttgart.
- Rowe, Peter G. (1987). Design thinking, MIT press, ISBN 0262181223 (Modified by Robert Satunders).
- Rayan, v. (1995). Implicit theories of intelligence creative of personality and social psychology. vol(49)n(3).
- Schon, Donald. (1985). Architecture & the higher learning, the great education debate, te design studio.
- Soares, Liliana. Pombo, Fatima. (2010a). Interpretation as a Design Method. (co-autor Fátima Pombo). In David Durling, Rabah Bousbaci, Lin-Lin Chen, Philippe Gauthier, Tilu Poldma, Seymour Roworth-Stokes, Erik Stolterman (Editors) Design & Complexity: Conference Proceedings, Design Research Society (DRS) Intern. Conference. Université de Montreal, 7-9 July, Montreal.
- Soares, Liliana. Pombo, F. (2010b). The Interpretation as a Method in Design or the Designer as an Interpreter, 1st International Congress of Design and Innovation of Catalonia, Barcelona.
- Udoh, Usen (2016), Housing Conditions In Rural Nigeria: Empirical Evidence From Oil-Rich Akwa Ibom State, Iranian Journal Of Health, Safety And Environment, Vol 3, No 3.
- Strauss, A. & Corbin, J. (1990), Basics of qualitative research: grounded theory procedures and techniques. Newbury Park, CA: Sage.
- Strauss, A., & Corbin, J. (1994), Grounded theory methodology: an overview. In N. Denzinin, & Y. Lincoln (eds), Handbook of Qualitative Research. Thousand oaks, CA: Sage.
- لاوسون، برایان. (1387). طراحان چگونه می‌اندیشند: ابهام‌زدایی از فرایند طراحی. ترجمه حمید ندیمی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، مرکز چاپ و انتشارات.
- Aspelund K. (2006). The design process, New York, NY. Fairchild.
- Casakin, H. (2004). Metaphors in the design studio: Implications for education. In Proceedings of the changing face of design education: 2nd international engineering and product design education conference, pp. 265–273, Delft.
- Casakin, Hernan Pablo (2007). Metaphors in Design Problem Solving: Implications for Creativity, The College of Judea & Samaria, Ariel, Vol 1, No 2, Israel.
- Chand 1, Runco M. Problem finding skills as components in the creative process, Personality and Individual Differences, 1992, Vol. 14, pp. 155-162.
- Chisholm, M. rural Settlements and Land Use, London, 1962.
- Cross, Nigel (2006). Designerly Ways of Knowing, British Library Cataloguing in Publication Data, Springer-Verlag London Limited 2006.
- Darke, J. (1978). The primary generator and the design process, new directions in environmental design research: preceding of EDRA9, Washington, EDRA, pp. 325-337.
- Herbert A, Simon. (1973). The structure of ill structured problems, Elsevier, Volume 4, Issues 3–4, Winter, pp181-201.
- Do, Ellen. (2002). The Design Thinking Process- Design Theory course, Sebastien BUND.
- De Bono, Edward. (2000). New thinking for the new millennium, January.
- Gkartzios, Menelaos, Scott, Mark (2009), Planning for Rural Housing in the Republic of Ireland: From National Spatial Strategies to Development Plans, European Planning Studies journal, Volume 17, Issue 12, pp1751-1780.
- Goran, Rajovic, Bulatovic, Jelisavka (2013), Characteristics of housing in rural villages: the case northeastern Montenegro, International Letters of Social and Humanistic Sciences, Vol. 6, pp 24-35.
- Hey, Henry Grenville Jonathan. (2002). Effective Framing in design, a dissertation submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree of doctor of Philosophy in Mechanical Engineering, University of the California, Berkeley.
- HEY, J., LINSEY, J., AGOGINO. A.M, WOOD. K.L. (2008). Analogies and Metaphors in Creative Design, Int. J. Engng Ed. Vol. 24, No. 2, pp. 283±294, Printed in Great Britain.
- Jones, J. C. (1966). Design methods reviewed, The design method, London, Botterworths.
- Lawson, Bryan. (2004). What Designers Know, Architectural Press, An imprint of Elsevier, Linacre